دیوارها هنگامی ساخته می‌شود که حاکمیت درحال تحلیل رفتن است

«دولت و دیوار»؛ نگاهی به استعمار نوین

سهیلا عباس‌پور
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

وندی براون در خوانشی انتقادی از دیوارکشی‌ها در جهان نوین امروز که بیشتر صاحبنظران معتقدند به‌واسطه جهانی شدن مرزها کمرنگ شده و مفهوم خود را از دست داده است، نمونه‌هایی از دیوارسازی در جهان را که اکنون در جریان است با پیوند دادن آنها به دیوارهای پیشین و نیز ذکر کارکرد آنها در هر دو سوی مرز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و معتقد است این دیوارها به نوعی تداوم امکان زیست برای حاکمیت‌هایی را فراهم می‌آورد که در جهان نو بر خرابه‌های استعمار پیشین، صورت جدیدی از استعمار را درپیش گرفته‌اند. او با پرداختن به آرای اشمیت مبنی بر جنبه‌های الهیاتی پروژه‌های دیوارکشی متاخر که خبر از افول حاکمیت ملت-دولت می‌دهد، به تعریف حاکمیت و شرط برقراری آن از سوی اندیشمندانی مانند لاک می‌پردازد و سپس به تبیین جلوه‌های الهیاتی حاکمیت در رابطه با ملت-دولت و تحلیل چرایی پررنگ شدن جنبه‌های الهیاتی حاکمیت در دوران مدرن پس از وستفالیا می‌پردازد و با ذکر این نکته که دیوارکشی نشانه بحران بالقوه سیاسی-الهیاتی است که از اتباع به دولت کشیده شده است. او می‌نویسد دیوارها هرگز به‌طور کامل از نقشه ژئوپلیتیک محو نمی‌شوند و پروژه‌های دیوارکشی قبل یا بعد از جنگ‌های بزرگ، همچنان کتیبه‌های بزرگ تاریخ هستند. براون دو دیوار را که از بزرگ‌ترین، پرهزینه‌ترین و بدنام‌ترین دیوارکشی‌ها در جهان هستند، به‌عنوان نمونه بارزی از دیوارها در جهان امروز نام می‌برد؛ ۱- دیوار بین آمریکا و مکزیک و ۲- دیوار حائل رژیم صهیونیستی که این دیوار حائل از خط اخضر سال ۱۹۶۷ شروع می‌شود و شهرک‌هایی را دربرمی‌گیرد که در عمق نواحی داخلی کرانه باختری پیش رفته‌اند و ضمن حرکت خود، مجموعه‌ای از موانع عمقی و به‌همراه آن مناطق امنیتی به اصطلاح استریل به وجود می‌آورد که همچنان در دل زمین‌های فلسطینی پیش روی می‌کنند. براون می‌نویسد: «فراتر از یک دیوار مرزی یا حصار امنیتی صرف، این دیوار نوین فناوری جداسازی و سلطه در بافت پیچیده اشغال و استعمارگری شهرنشینان است. دیوار حائل پیچ‌وتاب می‌خورد، دور می‌زند، بارها خود را درگیر می‌کند، گرداگرد شهرک‌های واقع در نوک تپه را می‌بندد. ضمن آنکه نوارهای ارتباطی باریکی بین کانون‌های حیات یهودیان اسرائیل و در کرانه باختری ایجاد می‌کند.»

چند نکته کلیدی کتاب وندی براون درخصوص استعمار آمریکا، اسرائیل و الزام‌های پیش روی افول حاکمیت‌هایی به چشم می‌خورد که در اعمال و کنترل فضای سرزمینی خود با مشکل مواجه هستند، آن هم در جهان درهم پیوسته امروزی که قرار بود از گذر جهانی شدن نولیبرال هم مرز کمرنگ شود و هم پلورالیسم فرهنگی آمریکایی به‌عنوان نمونه‌ای موفق از هضم و ادغام هویت‌های متکثر قومی، نژادی، دینی، اجتماعی و تساهل و تسامح در نظامی دوحزبی سرمشق سایر کشورها باشد. در دستور کار قرار گرفتن دیوار در مرز آمریکا با کانادا پس از پایان یافتن دیوار مرزی با مکزیک، برای مسدود کردن راه جزایر ورودی مهاجران احتمالی خواهد بود. براون معتقد است علی‌رغم شعارهای جهان وطن‌گرایانه و نولیبرال‌ها و بشردوستان چپ که جهان بی‌مرز را در سر می‌پرورانند، اما همه دولت-ملت‌ها اشتیاق عجیبی به دیوارکشی دارند و این همان فرم عام سیاسی با نام دموکراسی است که در سراسر جهان چیره شده است.

اشغالگری

اولین مساله درخصوص اسرائیل ماهیت اشغالگر بودن آن است. براون می‌نویسد: «هیچ جای دنیا نمی‌توان دیواری با این ترکیب و همین میزان شدت اثر یافت. اگرچه مخمصه اسرائیل تا حدودی نتیجه این واقعیت است که اسرائیل به‌صورت یک استعمار مستقر، دقیقا زمانی تاسیس شد که بساط استعمارگری در جهان برچیده و محکوم می‌شد.» نظر براون با استناد به گفته ادوارد سعید مبنی بر شکل‌گیری جغرافیای تخیلی برای مرزکشی در ذهن افراد، پیش از عینیت بخشیدن به مفهوم دیوار در عالم واقع و روی زمین است. او دیوارها را در بیشتر مواقع پاسخی می‌داند به جمعیتی که به‌صورت فزاینده از دست دولت ناراحت‌تر، مضطرب‌تر و خشمگین‌تر می‌شوند، دولتی که قدرتش با افول حاکمیت و نولیبرالیسم کمرنگ شده است، درحالی‌که سعی دارد دیوار را به‌عنوان نمایش و نمود ظاهری سلطه بسازد. براون با توجه به چهارچوب‌های معنایی که دیوارها درون آن عمل می‌کنند، درک چگونگی عملکرد دیوارها را در ارتباط با بافت‌هایی می‌داند که دیوارهای جدید در بستر آنها ساخته شده‌اند و وی این بافت گسترده را همان زمینه تاریخی مشخص یعنی افول حاکمیت دولت می‌داند. وقتی حاکمیت دچار افول می‌شود، در این روند فرسایش رنگ الهیاتی به‌خود می‌گیرد و در بلندمدت این الهیاتی شدن مایه تباهی آن خواهد شد. امروزه در دنیای جدید با حاکمیت سیاسی الهیاتی روبه‌رو هستیم که گام‌هایش روزبه‌روز سست‌تر می‌شود و از سوی دیگر با سرمایه در مقام قدرت جهانی؛ این وضعیت پارادوکس و وارونگی عجیبی ایجاد می‌کند.

بحران هویت

براون با ذکر این نکته که دیوارها در قرن بیست‌ویکم کارکرد دفاعی را در برابر تجاوزهای بین‌المللی دولت‌های قدرتمند دیگر ندارند، می‌گوید کنترل مردم و کالاها مورد نیاز است که اغلب مبتنی بر نیاز به نیروی کار مهاجر، اسلحه، قاچاق، مواد مخدر و... است، بنابراین در کنار خطر اعمال خشونت علیه ملت، احتمال خطر تضعیف هویت ملی به‌واسطه حضور نژادها یا قوم‌های دگرگون شده هم وجود دارد. دیوار حائل برای یک طرف دال بر حفاظت و امنیت است و برای طرف دیگر دال بر تجاوز، خشونت و سلطه؛ برخی یهودی‌ها از بودن دیوار حائل احساس امنیت می‌کنند و برای دیگران مایه شرمندگی و نشانی از خشونت اشغال است. درواقع هویت یک طرف دیوار با مفهوم اشغال چنان گره خورده که ناچار دیوار وسیله‌ای برای اجرای خودسرانه قانون و مبادرت به اعمال تبهکارانه در قبال هویت ساکنان آن سوی دیوار است. هم شهرک نشینان اسرائیلی و هم شهروندان آمریکایی از قبل مرزکشی خودسرانه اقدام به گشت زنی حتی توقیف و بازداشت به اصطلاح خودشان «غیرقانونی‌ها» می‌زنند و هم برای خلق شواهد موجود اقدام به زمین، جان و مال آنها دست درازی می‌کنند. همچنین در آمریکا، شعار «مردم متحد» در مساله گروه‌های مهاجران و ادغام آنها در جامعه آمریکا به ویژه مهاجران هیسپان لاتین تبار خود را نشان می‌دهد. تبعیض، قوانین جدید ناظر به مهاجرت غیرقانونی و کنترل تحرکات جامعه مهاجران قانونی در آمریکا به همبستگی عمومی این مهاجران مثلا ادغام شده در جامعه آمریکایی و زیست مسالمت‌آمیز آنها با سایر شهروندان آمریکایی ارائه تبلیغات منفی تصویری از چهره مهاجران آسیب وارد کرده است. بسیاری از لاتین تبارهایی که گفته می‌شود برخی از آنان کارآفرینانی بزرگ هستند، مالیات می‌پردازند و برای آمریکایی‌ها کار می‌کنند و به آنجا تعلق دارند. پس از سرکوب مرز تگزاس، تغییر جهت مهاجران به‌سمت ایالت‌های غربی پیش‌بینی می‌شود.

زوال حاکمیت

خلاف آنچه درخصوص دیوار و مرزکشی‌هایی چنین بزرگ و گسترده اندیشیده می‌شود و به قدرت نسبت داده می‌شود، باید گفت مرزکشی هنگامی صورت می‌گیرد که حاکمیت درحال تحلیل رفتن است. این تحلیل، در سخنان اخیر ترامپ درخصوص مهاجرت و بازگرداندن حاکمیت به خوبی دیده می‌شود. تحلیل براون از دیوار در دنیای معاصر، مصداقش را در آمریکا و رویدادهای اعتراضی اخیر می‌یابد که نه تنها به ماهیت استعماری این کشور در بنیانگذاری باز می‌گردد، بلکه به عدم توانایی در کنترل مرز و شکست سیاست‌های فدرال در امنیت مرزهای این کشور هم مربوط می‌شود که در همین راستا چارلز مک‌کال، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا با تاکید بر مشکل امنیت عمومی در اوکلاهاما، به جای دیوار فیزیکی از دیوارهای قانونی در بحث برخورد با مهاجران و مسائل مرزی یاد کرد که نمود آن در تصویب لایحه ۴۱۵۶ مجلس آمریکا درخصوص اوکلاهاما بود تا این ایالت را با برخی ایالت‌های دیگر مانند تگزاس، فلوریدا و آیووا در سیاست‌های امنیتی مرزی همسو کند. افزایش مهاجرت غیرقانونی باعث افزایش جرائم قاچاق مواد مخدر و انسان به این ایالت می‌شود. داده‌های ایالتی نشان می‌دهد در سال گذشته افراد تقریبا ۱۰ برابر بیشتر در اثر مصرف بیش از حد «فنتانیل» جان خود را از دست دادند و این از مشکلات عمده قانونگذاران ایالتی در نقاط مرزی است. زمان دولت ترامپ، دستگیری مهاجران در مرز ایالات متحده و مکزیک افزایش زیادی داشت اما هنگامی که بایدن در سال ۲۰۲۱ روی کار آمد، شروع به لغو برخی سیاست‌های ترامپ کرد. ایالت تگزاس هم شکایت‌های مختلفی را برای هجمه به سیاست‌های مهاجرتی دولت بایدن تنظیم کرده است. ویل وایسرت و جیل کالوین در مطلبی با عنوان «چرا پیام ترامپ درباره مهاجرت، فراتر از پایگاهش انعکاس می‌یابد؟» با اشاره به ویدیوئی که از سوی ترامپ به اشتراک گذاشته شده بود، نوشتند: «ویدئوی به اشتراک گذاشته‌شده توسط رئیس جمهور سابق دونالد ترامپ، موسیقی فیلم ترسناک و تصاویری از مهاجرانی است که ظاهرا از کشورهایی مانند کامرون، افغانستان و چین وارد ایالات متحده می‌شوند؛ عکس‌هایی از مردانی با خالکوبی و فیلم‌هایی از جنایات خشونت‌آمیز و افرادی که پرچم‌های آمریکا را تکان می‌دهند و خود را با آن می‌پیچند، نشان داده می‌شود. ترامپ در ویدئوی منتشرشده در شبکه اجتماعی خود می‌گوید آنها هزاران نفر می‌آیند. ما مرزهای خود را ایمن خواهیم کرد و حاکمیت را احیا خواهیم کرد.» ترامپ در سخنرانی‌ها و پست‌های آنلاین خود، درحالی‌که برای سومین بار به دنبال کاخ سفید است، لفاظی‌های ضدمهاجران را تشدید و مهاجران را به‌عنوان جنایتکاران خطرناکی که خون آمریکا را مسموم می‌کنند، معرفی کرده است. پیام‌های او با ضربه زدن به عمیق‌ترین خطوط گسل نژاد و هویت ملی کشور، اغلب بر دروغ‌هایی در مورد مهاجرت متکی است.» نویسندگان، به طرفداران یک دهه پیش ترامپ و طرح و طنین‌اندازی شعار «دیوار بساز» اشاره می‌کنند. مهاجرت قطعا یکی از موضوعات اصلی در انتخابات نوامبر آمریکا خواهد بود و هر دو طرف در شش ماه آینده تلاش می‌کنند دیگری را در سیاست‌های مربوط به امنیت مرز خطا جلوه دهند. کمپین انتخاب مجدد رئیس جمهور، اخیرا یک برنامه تبلیغاتی ۳۰ میلیون دلاری را با نیت هدف قرار دادن مخاطبان لاتین تبار در ایالت‌های کلیدی آغاز کرده که یک آگهی دیجیتالی به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی دارد و توصیف پیشین ترامپ از مهاجران مکزیکی با عنوان «جنایتکاران» و «متجاوزان» را برجسته می‌کند. کاخ سفید همچنین مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی را در نظر دارد که می‌تواند به شدت محدودیت‌های مهاجرتی را تشدید کند و عملا کنگره را پس از شکست در تصویب توافق دو حزبی که بایدن تایید کرد، در حاشیه آن قرار دهد.» کوین مونوز، سخنگوی ستاد انتخاباتی بایدن با کلاهبردار خواندن ترامپ گفت: «ما مطمئن خواهیم شد که رای دهندگان این موضوع را در نوامبر امسال می‌دانند.» ترامپ، دستگیری‌های اخیر برای گذرگاه‌های مرزی جنوب غربی را «تهاجم» می‌داند که توسط دموکرات‌ها برای تغییر ساختار آمریکا تنظیم شده است. ترامپ باید ن را متهم می‌کند که عمدا به جنایتکاران و تروریست‌های بالقوه اجازه می‌دهد بدون کنترل وارد کشور شوند و تا آنجا پیش می‌رود که ادعا می‌کند رئیس جمهور در «توطئه برای سرنگونی ایالات متحده آمریکا» شرکت دارد. ترامپ همچنین مهاجرانی را که بسیاری از آنها زنان و کودکانی گریخته از فقر و خشونت هستند را «مسمومکننده خون» آمریکا با مواد مخدر و بیماری می‌داند و ادعا می‌کند که برخی «مردم نیستند.» کسانی که به مطالعه افراط‌گرایی می‌پردازند بارها درخصوص زبان به‌کارگرفته‌شده غیرانسانی درخصوص مهاجران هشدار داده‌اند. همچنین آخرین آمار FBI نشان می‌دهد جرایم خشونت‌آمیز کلی در ایالات متحده در سال گذشته، مجددا کاهش یافته است و پس از یک دوره فراگیر شدن، به روند نزولی خود ادامه می‌دهد. نتیجه مطالعات نشان داده است افرادی که به‌طور غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند، بسیار کمتر از آمریکایی‌های بومی متولدشده به دلیل جرایم خشونت‌آمیز، مواد مخدر و دارایی دستگیر می‌شوند. برخی از مسئولان سابق آمریکا معتقدند اینگونه لفاظی‌های بیگانه‌هراسی افراطی ناشی از عدم مواجهه با حقایق و واقعیات روی زمین است.» مهاجرت و جامعه مهاجران، تنها یک پایگاه و مرجع برای اعتراض‌های اجتماعی و شورش در جامعه آمریکاست که به‌عنوان منبع صدور اعتراض رویدادهای مهمی مثل انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را متاثر می‌کند تا جایی که بسیاری از ژورنالیست‌ها مهاجرت را کانون و محور برای بسیاری می‌دانند. آنچه به نظر می‌رسد صحت گفته و پیش‌بینی‌های کریستین اف. روفو را درخصوص شورش و اعتراض در آستانه انتخابات پیش روی آمریکا تایید می‌کند، رویکرد متفاوت ترامپ و بایدن درخصوص مساله مهاجرت و مهاجران است. کریستوفر فرگوسن روفو، عضو ارشد موسسه منهتن، نویسنده کتاب «انقلاب‌های فرهنگی آمریکا» در یک خوانش انتقادی به رویکرد چپ و راست و رقابت این دو بر سر کسب قدرت و ارتباط آن با شورش در جامعه آمریکا در آستانه انتخاب پرداخته است. وی که این روزها شاهد اعتراض‌های گوناگون در حمایت از فلسطین، مخالفت با سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی از سوی جامعه مهاجران در آمریکا و... است، با یادآوری انتخابات ۲۰۲۰ و شورش‌های صورت‌گرفته تجربه‌شده حول آن، سوالی اساسی را مطرح می‌کند. شورش چگونه به وجود می‌آید و چگونه باید مدیریت شود؟

متن پیش رو ترجمه یادداشت روفو است با عنوان «آیا در سال ۲۰۲۴ دوباره فصل طغیانی خواهد بود؟» که در سیتی ژورنال منتشر شد.

«بنا بر اقرار برخی از مفسران آمریکایی، شورش ناشی از مرگ جورج فلوید(۲۰۲۰) در آمریکا تنها یک بی‌نظمی و ناهنجاری نبود، بلکه تاکتیکی بود که جناح چپ می‌توانست به هر دلیلی از آن استفاده کند و گفته می‌شود اینگونه اعتراض‌ها خواه تصادفی یا طراحی شده، تمرینی برای خشونت پیش‌بینی شده در انتخابات آینده بودتا رهبران محافظه‌کار برای چشم‌اندازهای احتمالی آماده باشند و برای جلوگیری از تکرار شورش‌های ۲۰۲۰ در سال ۲۰۲۴، دلایل شورش را پیدا کرده و ببینند چگونه می‌توان مانع آن شد و آن را درک و مدیریت کرد.

اما چه چیزی می‌تواند در جامعه آمریکا جناح چپ را تحریک کند و منجر به شورش شود؟ بعد از قتل یک سیاهپوست از سوی پلیس، یک درگیری بین‌المللی و یک بحران اقتصادی، قطعا نامزد جمهوری‌خواهان یعنی دونالد ترامپ تهدید دیگر در راه است. با توجه به رویارویی ترامپ با چندین کیفرخواست قضایی، هر اتفاقی که برای او بیفتد اعم از محکومیت یا زندانی شدن، بروز خشونت احتمالی از سوی هر دو طرف و شکاف ایدئولوژیک در جامعه آمریکا را در پی خواهد داشت. پیشروهای جناح چپ آماده هستند و فعالان آن، مجموعه‌ای از نهادها را برای حمایت از تظاهرات عمومی ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی معترض، نهادهای رسانه‌ای، مراکز تحقیقاتی، شبکه‌های بلوک سیاه و صندوق‌های ضمانت، همگی برای بسیج جنبش‌های توده‌ای تنظیم شده‌اند. چپ، با دقت جناح‌های قانونی و غیرقانونی خود را مدیریت می‌کند.

آماده‌سازی فرمانداران نیز باید آغاز شود و به مجریان قانون ایالتی دستور دهند تا گروه‌های ویژه بین‌سازمانی را برای نظارت، نفوذ، و مختل کردن شبکه‌های خشونت‌آمیز فعال چپ تا حدی که قانون مجاز بداند، ایجاد کند و اگر آنها فعالیت غیرقانونی را کشف کردند، باید متخلفان را دستگیر و تحت پیگرد قانونی قرار دهند. مجریان قانون در مواجهه با این گروه‌های نسبتا کوچک و وابسته به گروه‌های رهبری خاص که تمایل و تلاش چندانی برای پنهان کردن اهداف خود مانند سرنگونی نهادهای اساسی آمریکا و تمایل به اعمال خشونت سیاسی نشان نمی‌دهند قرار دارند. بنابراین، مجریان قانون باید مختل کردن گروه‌ها و شبکه‌ها را دنبال کنند؛ زیرا امر نامرئی پیشگیری بسیار از یک دعوای فراگیر در جریان یک شورش احتمالی بهتر است.

جمهوری‌خواهان نیز باید انگیزه‌ها را تغییر دهند. فرمانداران باید قوانینی را برای افزایش مجازات برای شورش تصویب کنند و واحدهای گارد ملی را در تاکتیک‌های ضدشورش آموزش دهند. پس از مرگ فلوید، فرماندار فلوریدا، ران دسانتیس، کارآمدی این رویکرد را نشان داد. با این حال، آماده‌سازی فقط می‌تواند تا آن اندازه پیش برود. اما، اگر شورش‌ها در شهرهای آمریکا رخ دهد، رهبران سیاسی محافظه‌کار برای سرکوب آنها چه کاری می‌توانند انجام دهند؟ دو رویکرد اساسی ممکن است؛ «جنگ زمینی» و «جنگ هوایی». گزینه اول در سرمقاله ننگین سناتور تام کاتن در نیویورک تایمز که در تابستان فلوید منتشر شد، خلاصه می‌شود: «سربازها را بفرستید!» مزیت اول این رویکرد واضح است: واحدهای گارد ملی می‌توانند شورش‌ها را سرکوب کنند، از جان و مال محافظت کنند و نظم عمومی را بازگردانند. اما این، خطری هم دارد؛ چپ که بر تاکتیک طعمه‌گذاری مجریان قانون برای به واکنش درآوردن مسلط شده است، هر واکنشی را انگ هر پاسخی «اقتدارگرایانه» می‌زند و از رسانه ملی برای تغییر افکار عمومی استفاده می‌کند. گزینه دوم، «جنگ هوایی» یعنی از طریق امواج رادیویی است. رهبران سیاسی هم بر حسب انتخاب و هم به ضرورت، می‌توانند سیاست مهار را اعمال کنند، و آشفتگی در محله‌های خاص را به عهده مقامات محلی بگذارند و همزمان نبردی را برای افکار عمومی در رسانه‌ها به راه اندازند و چپ سیاسی را به خاطر خشونت و تخریب مقصر بدانند. این، تا حدودی سیاست رئیس جمهور ترامپ در تابستان ۲۰۲۰ بود. با این حال، رویکرد ترامپ در متهم کردن آنتیفا، حزب دموکرات و... و حرف از نظم و قانون نتیجه نداد.» روفو وضعیت نابسامان شهرهای آمریکا قبل از انتخابات ۲۰۲۰ را یادآور می‌شود: «شهرهای بزرگ در صورت پیروزی ترامپ، در حالت آماده‌باش برای شورش بودند. هنگامی که من از واشنگتن دی‌سی، یک هفته قبل از روز انتخابات بازدید کردم، کل بلوک‌های شهر مسدود شده بودند. فروشگاه‌های لوکس ویترین‌های خود را بسته بودند. ستیزه‌جویان وابسته به BLM و آنتیفا وعده خشونت- در صورت عدم تغییر قدرت از سوی رای دهندگان- داده بودند. چپ‌ها فشار می‌آوردند و به نظر من رای دهندگان تا حدی برای پایان دادن به هرج و مرج از بایدن حمایت کردند. به عبارت دیگر، برای چپ، رگبار کارکرد. تهدید به تداوم خشونت، سود انتخاباتی را به همراه داشته و به تحریک‌کنندگان چپ انگیزه قوی برای تکرار عملکرد در سال ۲۰۲۴ را می‌دهد.»

روفو در ادامه می‌پرسد: «چگونه ممکن است سیاست یک فصل شورش در سال آینده بروز یابد؟ بی‌نظمی مدنی اغلب به نفع رقیب در انتخابات ریاست جمهوری اخیر بوده است. ریچارد نیکسون در سال ۱۹۶۸ پس از شورش‌های بزرگ به ریاست جمهوری رسید، همان‌طور که جو بایدن در سال ۲۰۲۰ پس از ناآرامی‌های مشابه به ریاست جمهوری رسید. بیل کلینتون نیز در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان یک رقیب پیروز شد، در سالی که شاهد شورش‌های لس‌آنجلس بودیم.» وی ادامه می‌دهد که رای دهندگان در برابر بی‌نظمی واکنش نشان می‌دهند. اگر دیدار مجدد ترامپ و بایدن در سال ۲۰۲۴ اتفاق بیفتد و خشونت آغاز شود، رای دهندگان ممکن است بایدن را مقصر بدانند، همان‌طور که ترامپ را در سال ۲۰۲۰ سرزنش کردند. سپس با توجه به شهرت قطبی ترامپ و ماهیت تحریف‌گر پوشش رسانه‌های اصلی، می‌توان تصور کرد رای دهندگان بتوانند ظهور مجدد بی‌نظمی عمومی را با ترامپ مرتبط کنند. با این وجود، به هر حال سیاست پیش می‌رود؛ رهبران محافظه‌کار باید برای ناآرامی‌های احتمالی آماده شوند.

اما روفو توصیه‌هایی برای مواجهه با ناآرامی‌ها دارد که مهم‌ترین قسمت نوشته اوست: «اول، آنها باید برنامه‌های گسترده‌ای برای بازدارندگی ملی و محلی، کنترل شورش، و پیگرد قانونی هر کسی که مسئول خشونت شناخته می‌شود، داشته باشند. دوم، آنها باید یک استراتژی برای «جنگ هوایی» را الگو کنند؛ از قبل یک استراتژی لفظی متقاعدکننده ایجاد کنند، چهارچوب تفسیری را برای هر شورش در آینده ایجاد کنند، و یک دستگاه واکنش سریع برای مخالفت با پیام مخالفان بسازند. آنها ممکن است برنامه‌ریزان استراتژیک را برای بازی کردن سناریوها و پاسخ‌های بالقوه استخدام کنند؛ با نگاه به شکست منطق گروگان‌گیری که چپ در سال ۲۰۲۰ با موفقیت اجرا کرد: «مرد ما را انتخاب کنید، و درد متوقف می‌شود.» موفقیت هر جامعه‌ای با نظم آغاز می‌شود. این حقیقت، اغلب تا زمانی که نظم مختل نشود فراموش می‌شود. دولتمرد عاقل برای آن اتفاق برنامه‌ریزی کرده است؛ هم برای اقبال خود و هم برای خیر عمومی جامعه‌اش. زمان آماده‌سازی اکنون است.»

این یادداشت روفو دقیقا موید همان پرسش کلیدی براون است دال بر «وضعیت دوگانه زوال حاکمیت دولت و ادعای قدرت و حاکمیت در ایجاد نظم و بی نظمی جهانی». او معتقد است بسیاری از قدرت‌هایی که طی فرآیند جهانی‌سازی و استعمار اواخر دوران مدرن لجام گسیخته‌اند، با سیاست و قانون مهارشدنی نیستند و به این دلیل در مواجهه با حکمرانی ناپذیری باید به نظارت پلیس و محاصره نظامی متوسل شوند. بنابراین، تمایز میان مجرمان داخلی و دشمنان خارجی، تمایز میان داخل و خارج کشور است که روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود و این وضعیت در ایالات متحده فزاینده بوده تا جایی که به جای اخراج مهاجران و بازگرداندن آنها به وطن‌شان، جرم‌انگاری برای بی‌اوراقان و به زندان انداختن آنهاست؛ پس تمایز میان تبعه و میهنی ضدخودش به نظر می‌رسد.

منابع:

دولت و دیوار، وندی براون، ترجمه سهند ستاری، ۱۴۰۰

Immigration is at the center of the 2024 election for many. Why? By Oren Oppenheim

February 29, 2024

Immigration emerges as key 2024 election wedge issue for Trump, vulnerability for Biden, By Alexandra Hutzler, January 25, 2024

Will It Be Riot Season Again in 2024? Christopher F. Rufo, Dec 04, 2023

آگهی مزایده عمومی

شماره ۳-۲-۱۴۰۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات در نظر دارد تا تعداد ۳ دستگاه خودرو وانت دوکابین نیسان خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص واجد شرایط به فروش برساند.

۱- از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روزکاری با ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال(غیر قابل استرداد) به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸ (شماره شبا IR ۲۴ ۰۱۹۰ ۰۰۰۰ ۰۰۱۱ ۵۸۶۰ ۸۲۳۰ ۰۸) با شناسه واریز ۴۱۹۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۲۵۳ نزد بانک صادرات به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات به همراه معرفی‌نامه کتبی (برای اشخاص حقوقی) و کارت شناسایی معتبر برای خرید (دریافت) اسناد مزایده در ساعات اداری به نشانی: تهران- انتهای بزرگراه شهید ستاری شمال- میدان دانشگاه- بلوار شهدای حصارک- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات- ساختمان بلوک یک آموزشی- طبقه ششم- اتاق ۶۰۱ مراجعه نمایند. (تلفن تماس: ۰۲۱۴۴۸۶۷۶۰۶ داخلی ۳۰۰۸).

۲- مهلت دریافت اسناد و همچنین تحویل پاکت‌های اسناد مزایده تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۴:۵۰) روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ می‌باشد.

۳- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۴- مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد.

۵- تاریخ درج آگهی در روزنامه‌ها روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ می‌باشد.

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی

شماره ۴-۲-۱۴۰۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات در نظر دارد تعداد ۵ رأس گوساله نر از نژاد هلشتاین خود را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

۱- از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روزکاری با ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال(غیر قابل استرداد) به شماره حساب ۰۱۱۵۸۶۰۸۲۳۰۰۸ (شماره شبا IR ۲۴ ۰۱۹۰ ۰۰۰۰ ۰۰۱۱ ۵۸۶۰ ۸۲۳۰ ۰۸) با شناسه واریز ۴۱۹۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۲۵۳ نزد بانک صادرات به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات به همراه معرفی‌نامه کتبی (برای اشخاص حقوقی) و کارت شناسایی معتبر برای خرید (دریافت) اسناد و بازدید موضوع مزایده در ساعات اداری به نشانی: استان تهران- ملارد- جاده شهریار به صفادشت- بعد از یوسف‌آباد قوام- روبه‌روی تپه باستانی- خیابان کشاورزان- مزرعه آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات- پلاک ۲۰ مراجعه نمایند. (تلفن تماس: ۰۲۱۴۴۸۶۷۶۰۶ داخلی ۳۰۰۸).

۲- مهلت دریافت اسناد و همچنین تحویل پاکت‌های اسناد مزایده تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۴:۵۰) روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ می‌باشد.

۳- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها و هزینه تعیین قیمت کارشناسی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۴- مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادات دارای اختیار تام می‌باشد.

۵- تاریخ درج آگهی در روزنامه‌ها روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ می‌باشد.